

هل الإسلام حرم الحب

آيا اسلام دوست داشتن را حرام کرده ؟



کتاب: جواب المنیر (پاسخ‌های روشنگرانه بر بستر امواج) جلد ۵، سوال / ۴۵۷

سید أحمد الحسن عليه السلام

وصی و رسول امام مهدی عليه السلام

أواخر صفر ۱۴۳۱ هـ . ق

متن و ترجمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سؤال/۴۵۷: السلام عليكم سيدي ومولاي وصي ورسول الإمام المهدي.

عفواً لهذا السؤال لكنني أود الإجابة عنه؛ لأنه ولّد صراع في داخلي، هل الدين الإسلامي حرم الحب بين المرأة والرجل إذا كانت نية زواج وارتباط رسمي، هل يجوز للمرأة أم أنه محرم؟ إني أعتذر لهذا السؤال وأترجاكم أريد السيد أحمد الحسن يجاوب على سؤالي.

المرسلة: الطالبة الجامعية- العراق

سؤال/۴۵۷: سلام عليكم آقا و مولایم وصی و رسول امام مهدی (علیه السلام).

از پرسیدن این سؤال معذرت می خواهم، ولی دوست دارم به آن پاسخ دهید، چون در درون من درگیری به وجود آورده است، آیا دین اسلام عشق بین زن و مرد را حرام نموده است البته اگر نیت ازدواج و ارتباط رسمی باشد، آیا این کار برای خانم جایز است یا حرام؟ از این سؤال معذرت خواهی می کنم و می خواهم سید احمد الحسن به این سؤال پاسخ دهد.

فرستنده: دختر دانشجوی در دانشگاه - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.
الله سبحانه وتعالى شرع قانوناً للعلاقة العاطفية والجنسية بين المرأة والرجل باعتبارهما ذكراً وأنثى، وهو عقد الزواج الذي يشترط فيه الشاهدان على العقد أو الإشهار بعد العقد إن لم يكن هناك شاهدان .. وهذا ليضمن حقوق المرأة وثمره الاتصال بين الأنثى والذكر البشريين ...
ويعلم الله إني سأحاول النصح لك ولكل فتاة مؤمنة لعلكم تضعون أقدامكم على سبيل صحيح يضمن لكم حياة طيبة وكريمة.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.
خداوند سبحان و متعال قانونی برای ارتباط عاطفی و جنسی بین زن و مرد به اعتبار این که مذکر و مؤنث هستند قرار داده و آن همان عقد ازدواج که شرط آن قرار دادن دو نفر شاهد بر عقد یا اگر دو شاهد نبود، بعد از عقد آن را علنی کنند... و این مسئله حقوق زن و نتیجه اتصال بین زن و مرد بشری را ضمانت می کند...

خداوند می داند که سعی من طلب نصیحت برای شما و هر دختر مومنی است، تا قدم هایتان را در راه صحیحی بگذارید، که تضمین کننده زندگی پاک و زیبایی برای شماست.

إن ما تسمينه أنت حب فهو في الحقيقة لا يتعدى مسألة الإعجاب بالشكل أو المظهر أو بعض التصرفات والكلمات التي معظمها غير حقيقية ومتكلفة وبعيدة عن واقع الشخصية الحقيقية للمرأة أو الرجل، ولتعلمي أنه مجرد إعجاب بمظاهر بعضها غير حقيقي، انظري إلى الواقع الخارجي، فلا أريد أن أقول أكثر مما يقوله الواقع الخارجي، ومما قالته الأبحاث والدراسات الاستقرائية للواقع الخارجي، التي تبين ومن خلال استقراء الواقع الخارجي أن ما يسمى بالحب أو علاقة الحب بين المرأة والرجل تنتهي بعد الزواج بفترة ليست بطويلة أو بعد المعاشرة الزوجية كما في الغرب اليوم، وربما في أحسن الأحوال لا تتعدى سنوات قليلة، بينما الحب الحقيقي لا يمكن أن ينتهي ليس بعد سنوات بل وحتى بعد الموت ومفارقة هذه الدنيا، فالحب الحقيقي والحي والباقي هو حب الله سبحانه وتعالى؛ لأنه مرتبط بالحي الباقي سبحانه وتعالى، وبالتالي فكل حب مرتبط بهذا الحب سيكون حياً بحياة هذا الحب الحقيقي، فحب المرأة قريبها أو حب الزوج قريبته لأجل الله وطاعة الله، ولأجل أن قريبه قريباً من الله مطيعاً لله سيكون حياً وحقيقياً؛ لأنه في الحقيقة نابع من حب الله ... ومن بيده القلوب ويقلمها كيف يشاء غير الله سبحانه وتعالى؟ فهو القادر أن يديم حياً بين زوجين بني على حبه هو سبحانه وتعالى.

همانا آن چه شما آن را عشق می نامید در حقیقت چیزی نیست جزء پسندیدن شکل یا ظاهر فرد یا بعضی از رفتارها و کلماتی که بیشترشان غیر واقعی بوده و از شخصیت حقیقی زن یا مرد به دور است، و بدان که آن ها فقط پسندیدن چیزهای ظاهری است که بعضی از آن ها واقعی نیستند، به واقعیت عملی نظر کن، نمی خواهم بیشتر از آن چیزی که واقعیت عملی می گوید، بگویم، و هر آن چه که مباحثات و دروس استقرایی برای واقعیت عینی گفته اند، که از خلال بررسی واقعیت عملی آن چه که عشق یا دوستی بین زن و مرد نامیده می شود این علاقه بعد از مدت نه چندان طولانی بعد از ازدواج یا بعد از زندگی زناشویی به پایان می رسد همان گونه که امروزه در غرب اتفاق افتاده است، و چه بسا در بهترین حالات از چند سال هم عبور نکند، در حالی که عشق حقیقی امکان ندارد که بعد از سال ها از بین برود، حتی بعد از مرگ و جدایی از این دنیا از بین نمی رود، عشق حقیقی و زنده و ماندگار، همان عشق خداوند سبحان و متعال است؛ چون با خداوند سبحان زنده و ماندگار مرتبط است، و در آخر هر دوست داشتنی که با این عشق مرتبط باشد، با حیات آن عشق حقیقی باقی خواهد ماند، عشق زن با شریکش و یا دوست داشتن شوهرش به خاطر خدا و اطاعت از خداست، و به این خاطر است که همراهش نزدیکی به خداوند و مطیع خداوند است، این چنین دوست داشتنی زنده و حقیقی خواهد بود؛ چون در حقیقت از عشق خداوند سرچشمه می گیرد... چگونه غیر از خداوند سبحان و متعال را (می توان) خواست آن (خدایی) که دل ها و تغییر آن ها در دستانش می باشد؟ آری پس او این توانای را دارد تا عشق بین زوجینی را که بر دوستی خداوند سبحان و متعال بنا نهاده شده است، دائمی نماید.

ولهذا حث الرسول المؤمن أن يتحرى صاحبة الدين ويقترب منها، وكذا حث المرأة أن تتحرى صاحب الدين وتقترب منه، وفقك الله كوني كريمة عزيزة مطيعة لله سبحانه الكريم الذي لا يضيع أوليائه ويرحمهم في الدنيا والآخرة، فهو القادر أن يجعل من المؤمنة التي تتوجه إليه رغبة به سبحانه وتعالى أن تقترب بإنسان مؤمن وصاحب دين. أما العلاقات التي تسمى بالحب قبل عقد الزواج والاقتران فهي في الحقيقة في كثير من الأحيان تكون سبباً لأن تفقد المرأة عزتها وكرامتها وعفتها، فالمفروض بالمؤمنة الكريمة العزيرة أن تتجنب هذا الأمر وتجعل عاطفتها وحبها تتوجه إلى الشخص المؤمن الصالح الذي تقترب به بالعقد الشرعي. والمفروض أن تجعل المؤمنة ثقتها بالله وتتوكل عليه وتطلب منه سبحانه أن يجعل من تقترب به إنساناً مرضياً عنده حقيقةً. وبالتالي تعيش معه في الأيام التي قدرها الله لها في هذه الدنيا حياة كريمة عزيزة يحفظها الحب والمودة. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

و به همین خاطر رسول اکرم (ﷺ)، انسان مومن را تشویق نموده که دختر مؤمن را انتخاب کرده و با وی شریک شود، و هم چنین زن را تشویق نموده تا فرد مؤمن را انتخاب و همراه او باشد، خداوند شما را توفیق دهد، کریم و با عزت و مطیع خداوند سبحان و کریم باش، خداوندی که دوستانش را از بین نمی برد و در دنیا و آخرت به آنان رحمت و مهربانی می کند، او قادر است تا دختر مومنی را که به او -سبحانه و تعالی- توجه کرده، همراه با انسان مومن و صاحب دین نماید. اما علاقه هایی که قبل از عقد ازدواج و همراهی، دوست داشتن نامیده می شود، در حقیقت در بیشتر اوقات علتی می شود که زن عزت و کرامت و عفتش را از دست بدهد، کاری که دختر مومن و کریم و عزیز باید انجام دهد این است که از این مسئله دوری کند و عاطفه و دوستی اش را متوجه فردی کند که مومن و شایسته و با عقد شرعی با او همراه شده است. دختر مومن باید به خداوند اعتماد داشته باشد و به وی توکل نماید و از خداوند سبحان بخواهد انسانی را که همراهش می کند به صورت حقیقی مورد رضایت او باشد، و در روزهایی که خداوند برای وی در این دنیا مُقدر کرده یک زندگی با عزت و احترام به همراه عشق و مودت با همسرش داشته باشد. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

وهذه بعض النصوص التي تلخص ما توصل إليه بعض علماء الاجتماع من خلال دراسات استقرائية: يقول عالم الاجتماع الأمريكي وليم روبنسون مستنداً إلى استقراء مجموعة قصص حب: (أن العمر الافتراضي للحب هو ثلاث سنوات ليس أكثر بعد الزواج). ويقول: (عندما يصل الحب إلى نهاية عمره الافتراضي يصبح نوره خافتاً، وقد يتطلب ما يقرب العام حتى يدرك طرفاً علاقة الحب هذه الحقيقة التي تغلفها الحياة المشتركة).

وقال: (أن كيميائ المخ المسيطرة على عملية الحب تظل تولد شحنات وشحنات حب وطاقة عواطف لمدة ثلاث سنوات ثم تتوقف تلك الشحنات وكأنها بطارية فرغت، ولا يمكن إطلاقاً إعادة شحنها، ثم تتحول العلاقة القائمة على الحب إلى علاقة دفاء وإخلاق).

در این جا بعضی از متونی که خلاصه نتیجه تحقیقاتی است که بعضی از دانشمندان جامعه‌شناس از خلال بررسی‌های مداوم بدان رسیدند را قرار می‌دهم:

دانشمند جامعه‌شناس آمریکایی ویلیام روبنسون به استناد بررسی مجموعه‌ای از داستان‌های عشق می‌گوید: (عمر احتمالی برای عشق، سه سال و نه بیشتر بعد از ازدواج است)، و می‌گوید: (وقتی که عشق به اواخر عمر احتمالیش می‌رسد، نور آن کم‌رنگ می‌شود؛ و به اندازه تقریباً یک سال زمان لازم است تا طرف مقابل درک نماید که عشق و علاقه همان حقیقتی است که در زندگی مشترک از آن غافل گشته است). وی می‌گوید: (سیستم مغز که عملیات عشق را بر عهده دارد، تولید انرژی و انرژی عشق و نیروی عواطف را برای مدت سه سال تولید می‌کند، سپس آن انرژی‌ها متوقف می‌شوند و گویی همانند باتری خالی می‌ماند که نمی‌توان بار دیگر شارژ آن را برگرداند، سپس آن ارتباطی که بر مبنای عشق بنا شده به دوستی خالی و رهایی تبدیل می‌شود).

البروفیسور سیندی هازان من جامعه کورنیل نیویورک أجرى دراسة استقصائية على عينة تضم خمسة آلاف رجل وامرأة ينتمون إلى ٣٧ ثقافة مختلفة على مستوى العالم المتقدم والمتخلف، والدراسة كانت عبارة عن مجموعة من الاختبارات النفسية والبيولوجية لقياس مستوى الحب بين كل اثنين متحابين، والنتيجة كانت: (أنه لا يوجد حب يمكنه الاستمرار مدى الحياة، حيث أكدت الدراسة أن الحب لا يعيش مع العلاقة الحميمة إلا لمدة أربع سنوات كحد أقصى، ثم يموت بعدها).

پروفیسور سیندی هازان از دانشگاه کورنیل نیویورک آزمایشی در سطح جهان بر عده‌ای که تعداد آن‌ها پنج هزار زن و مرد از ٣٧ فرهنگ مختلف در جهان پیشرفته و توسعه‌نیافته بودند انجام داد؛ و این تحقیق عبارت بود از مجموعه‌ای از آزمایشات روانی و بیولوژی برای مقایسه میزان عشق بین دو فردی که یکدیگر را دوست دارند، و نتیجه آن چنین بود: (عشقی وجود ندارد که بتواند در طول مدت زندگی استمرار داشته باشد، و این تحقیق تاکید می‌کند که دوست داشتن همراه با علاقه شدید در طولانی‌ترین حالت ممکن فقط تا چهار سال ادامه پیدا می‌کند، سپس بعد از این مدت از بین می‌رود).^(١)

١. احمد الحسن Ahmed Alhasan ٢٤ فوریه ٢٠١٩:

زیست‌شناسی تکاملی، ژن‌ها و چندهمسری:

در اینجا می‌خواهم به بحث و بررسی این مسئله از دید زیست‌شناسی ژنتیکی پردازم تا به پرسش زیر پاسخ گفته شود: آیا ژن‌های یک مذکر، وی را به سوی ارتباط با بیش از یک مؤنث سوق می‌دهند یا خیر؟

واقعیت این است که امکان ندارد بدون فهم نظریه تکامل و استراتژی‌های تکامل در زندگی روی این زمین، بتوان [مفاهیم] «مرد» و «زن» را به شکل صحیح و دقیق درک کرد به طوری که بتوان در پژوهش‌های استوار و پایداری که در خصوص مشکلات اجتماعی و روانی انجام می‌شود، بر این دو مفهوم تکیه نمود.

مذکر و مؤنث، به عنوان «جسد» (بدن) عبارت‌اند از: مستعمره‌هایی ژنتیکی که به عنوان ابزاری برای انتقال و بقای ژن‌ها نسل‌اندرونسل- از طریق مشارکت و همکاری ژنتیکی در فرزندان به کار گرفته می‌شوند و به طور معمول این مشارکت و همکاری، جز از طریق تلاقی جنسی صورت نمی‌پذیرد که به نوبه خود علتی برای شکل‌گیری خانواده و ارتباط عاطفی میان جنس نر و جنس ماده می‌باشد؛ ارتباطی که نیازمندیم آن را به شکل صحیح و دقیق درک کنیم تا بتوانیم بسیاری از مشکلات اجتماعی، عقده‌ها و بحران‌های روانی را درک کنیم تا برای فراهم آمدن راه‌حلی‌هایی ثمربخش و صحیح برای این مشکلات زمینه‌سازی شود؛ بنابراین ما نیاز مبرمی به دقت نظر در خصوص طبیعت رفتار «جنس نر» در برابر «جنس ماده» و طبیعت رفتار «جنس ماده» در برابر «جنس نر» داریم.

تکامل به طور معمول- چه رفتار جنسی را بر حیوان مذکر تحمیل می‌کند؟

و تکامل به طور معمول- چه رفتار جنسی را بر حیوان مؤنث تحمیل می‌کند؟

طبیعتاً دانشمندان زیست‌شناسی تکاملی، پژوهش‌های بسیاری برای شناخت این رفتار انجام داده‌اند؛ و چکیده این پژوهش‌ها عبارت‌اند از:

- استراتژی جنس مذکر از دید تکاملی- عبارت است از اینکه: برای منتشر کردن ژن‌های خودش در گسترده‌ترین محدوده ممکن بدون هیچ توجهی به آنچه جنس ماده به خاطر توجه نشان دادن به این ژن‌ها تحمل خواهد کرد- تلاش می‌کند.
- اما استراتژی جنس مؤنث از دید تکاملی- عبارت است از: جست‌وجوی شریکی وفادار. جنس ماده نیز می‌خواهد ژن‌های خودش را در گسترده‌ترین محدوده ممکن منتشر نماید ولی تلاش می‌کند همراه خود شریکی وفادار داشته باشد؛ شریکی که نسبت به فرزندان که ژن‌های مذکر و مؤنث را به طور همزمان- در خود دارند توجه نشان دهد.

دلیل این دو حالت متفاوت- یعنی تمایل داشتن جنس نر برای برقرار کردن ارتباط جنسی با چندین ماده تا ژن‌های خودش را در گسترده‌ترین محدوده منتشر کند و تمایل داشتن جنس مؤنث برای یافتن یک نر وفادار برای منتشر کردن ژن‌های خودش- عبارت است از اینکه: جنس مذکر، ژن‌هایی بدون مواد غذایی و بدون هیچ مراقبتی (اسپریم، این ژن‌ها را با خود حمل می‌کند) ارائه می‌کند در حالی که جنس ماده، ژن‌هایی در محاصره اندوخته غذایی و برخوردار از توجه و مراقبت عرضه می‌دارد (تخمک که شامل ژن‌ها و اندوخته غذایی است؛ به علاوه مراقبت و نگهداری پس از شکسته شدن تخم که این مراقبت می‌تواند در لانه پرنده انجام شود، در رحم زن باشد، در کیسه کانگورو انجام شود یا در محیط بیرونی صورت پذیرد).

به همین دلیل در تاریخ تکاملی، کشمکشی پُر التهاب میان این دو استراتژی وجود داشته است و آنچه ما در جهان بیرونی شاهد هستیم چیزی جز نتیجه این کشمکش در طول تاریخ تکاملی نیست و طبیعتاً این معرکه، پیوسته ادامه‌دار و پُر التهاب

بوده است. قطعاً استراتژی جنس مؤنث، مجموعه ژنی را وادار می‌کند برای مشکلاتش با جنس مذکر راه‌حلی پدید آورد، ولی باقی‌مانده‌ای از مجموعه ژنتیکی جنس مذکر، مستعمرات ژنتیکی (بدن‌های جنس مذکر) را به سوی یافتن ابزارهایی پیچیده برای خنثی کردن آنچه مجموعه ژنتیکی جنس ماده در جهت وادار کردن او برای وفادار بودن به مستعمره‌های ژنتیکی جنس مؤنث (بدن‌های جنس مؤنث) انجام داده است سوق می‌دهد.

افراد جنس نر، لانه و خانه می‌سازند، آن‌ها را زینت می‌دهند و برای جنس ماده غذا فراهم می‌کنند به گونه‌ای که تکالیفی در جهت اطاعت، احترام و فرمان‌برداری از جنس ماده را برایش جلوه‌گر می‌سازند تا درنهایت، توجه جنس ماده را به خود جلب کنند و او ازدواج و مشارکت ژنتیکی با گنج ارزشمند خود در طبیعت (تخمک) را می‌پذیرد.

مقدمه بالا، با اختصار بسیار بود و چه‌بسا کسی که می‌خواهد آن را با دقت درک کند، نیازمند آگاهی یافتن از نظریه تکامل به صورتی صحیح و از منابعش - باشد. اما اگر شما نمی‌خواهی تلاشی برای فهمیدن این مقدمه به خرج بدهی، مخلص کلام بالا عبارت است از اینکه:

«جنس مؤنث حیوانی» (از جمله جنس مؤنث انسان) از آنجا که مستعمره‌ای ژنتیکی است غالباً به دنبال همسری وفادار است تا با او ارتباط برقرار کند. اما «جنس مذکر حیوانی» به دنبال شریک مؤنث می‌گردد تا بپذیرد که او از الطاف و مواهبی که [جنس مؤنث] برای ژن‌های خودش و ژن‌های شریکش عرضه می‌کند سودجویی کند؛ الطاف و مواهبی که از تخم شروع می‌شود و چه‌بسا تا به استقلال رسیدن محصول جدید (فرزندان) نیز پایان نپذیرد.

با توجه به آنچه در بالا تقدیم گردید، میان جنس مذکر و جنس مؤنث در نوع بشر، در طول این مسیر تکاملی چه چیزی حاصل شده است؟

جنس مذکر در طبیعت، به جنس مؤنث مکانی امن برای زندگی کردن برای دوری جستن از شکارچی‌ها و غذایی به‌عنوان بیعانه‌ای برای فداکاری و وفادار بودن پیشکش می‌کند تا موافقت جنس مؤنث را به دست بیاورد؛ اما در این دوران کنونی، ما می‌توانیم بسیاری از رفتارهای دیگر را شاهد باشیم؛ رفتارهایی که در ظرف همان «غرض» ریخته شده و شکل گرفته‌اند؛ یعنی تلاش جنس مذکر برای اینکه خودش را به‌عنوان شخصی وفادار به جنس ماده عرضه کند و اینکه تنها با او [زندگی] را ادامه خواهد داد.

و در عین حال همواره - بقایایی [ژنتیکی] وجود دارد که جنس مذکر را به سوی انتشار دادن ژن‌هایش و پایبند نبودن به یک مؤنث، فرامی‌خواند؛ بنابراین ژن‌هایی که جنس مذکر را به خیانت نسبت به شریک مؤنث فرامی‌خوانند به‌صورت ژن‌هایی غیرفعال، تبدیل و دگرگون نمی‌شوند؛ درست مثل وضعیتی که برای دیگر ژن‌ها در این مسیر تکاملی حاصل شده است.

بنابراین پاسخ پرسش ما:

بله ژن‌های جنس مذکر، او را به ارتباط داشتن با بیش از یک مؤنث سوق می‌دهند.

نکته: سخن بالا، پاسخی علمی - از طریق زیست‌شناسی تکاملی و ژن‌ها - به اشکال مطرح شده از سوی ملحدان و خداناباوران به مجاز بودن «چندهمسری» در اسلام بود و بنده پیش‌تر این مسئله را از دید اجتماعی و اینکه راه‌حلی برای مشکلی اجتماعی در دوران فرستاده خدا حضرت محمد (ص) بوده است، بیان کرده‌ام.

أحمد الحسن

أواخر صفر / ۱۴۳۱ هـ

شایان ذکر است که پرداختن بنده به این مسئله به این معنا نیست که بنده در دوران کنونی- در راستای چندمتری تشویق می‌کنم؛ بلکه تنها بیانی علمی و منطقی برای حقانیت اسلام و احکامش می‌باشد. منبع: [صفحه فیسبوک ۱۴ فوریه ۲۰۱۹](#).



تهیه و تنظیم:

صادق شکاری

محرم ۱۴۴۳ هـ ق

sadeghshekari۱۰۳۱۳.blogspot.com

sadeghshekari.over-blog.com

t.me/Sadeghansary

sadeghshekari.com

sadeghshekari.blog.ir

جهت آشنایی با دعوت سید احمد الحسن علیه السلام به تارنمای رسمی مراجعه نمایید:

almahdyoon.co

مطالب مرتبط :

[دانلود بیانیه‌های سید احمد الحسن \(ع\)](#)

[دانلود خطبه‌ها و سخنرانی‌های سید احمد الحسن \(ع\)](#)

[دانلود کتاب‌های سید احمد الحسن \(ع\)](#)

[دانلود مجموعه کتاب‌های پاسخ‌های روشنگرانه \(جواب المنیر\)](#)